# بسم الله الرحمن الرحیم

## برهان شر و عذاب همیشگی در آتش جهنم

**از آن‌رو که موضوع مورد بحث بسیار مشهور است، نیازی به ذکر استدلال صورت گرفته برای آن نیست و ما به‌طور قطع سعی در کوتاه نگاه داشتن این مبحث داریم.**

**به‌طور خلاصه، برهان شر هرگز یک چالش نیست، زیرا گزاره‌ها یا قضایای آن همگی ضرورتاً صحیح نیستند. بنابراین، نتیجه صورت گرفته نیز ضرورتاً صحیح نیست. جهت حفظ اختصار، تنها آن گزاره‌هایی که باور داریم باطل هستند را مورد بحث قرار می‌دهیم و مسلماً مواردی که مورد بحث قرار می‌دهیم گزاره‌های اصلی استدلال هستند.**

### برهان شر به مثابه‌ی اجتماع نقیضین

**گزاره‌ی *"خداوند قادر مطلق می‌تواند از حدوث شر جلوگیری کند "* ضرورتاً صحیح نیست! این یک حیله‌ی کلامی است، بنابراین شخص باید هوشیار باشد. این عبارت دقیقاً همانند آن چیزی است که نصارایِ پیروِ فلسفه تثلیث سعی می‌کنند به عامه مردم بقبولانند، این‌که *"خداوند می‌تواند آدمی شود"* زیرا خداوند قادر مطلق است. به احتمال فراوان این سؤال را شنیده‌اید که *" آیا خداوند می‌تواند سنگی خلق کند که خود نتواند بردارد ؟"* این موارد همگی عبارت‌های مشابهی هستند.**

**کسی که سؤال می‌کند *" آیا خداوند می تواند سنگی خلق کند که خود نتواند بردارد ؟"* در واقع می‌پرسد *" آیا خداوند می‌تواند در آن واحد هم قادر مطلق باشد و هم قادر مطلق نباشد؟"* این یک محال عقلی است که نمی‌تواند وجود داشته باشد.**

**نصارایی که می‌گویند *"خداوند می‌تواند آدمی شود"* در واقع می‌گویند *" خداوند می‌تواند در آن واحد هم میرا و هم نامیرا شود"* این محال عقلی است و نمی‌تواند وجود داشته باشد.**

**مقوله شر اخلاق:** به همان طریق، گزاره‌ی ***"خداوند قادر مطلق می‌تواند از حدوث شر (بر روی زمین) جلوگیری کند "*** یک محال عقلی است که نمی‌تواند وجود داشته باشد. چرا؟ زیرا خداوند به آدمی قدرت اختیار عطا کرده است. بدون شر، اختیار نمی‌تواند وجود داشته باشد. اگر انسان‌ها مجبور به انتخاب تنها آن چیزی بودند که خیر است، در آن صورت موجوداتی صاحب اختیار محسوب نمی‌شدند. بنابراین، آن‌چه که این گزاره بدان اشاره می‌کند این است که ***"خداوند می‌تواند موجودی بیافریند که در آن واحد هم صاحب اختیار است و هم صاحب اختیار نیست".***

**مقوله شر طبیعی: علاوه بر این، خداوند ما را در یک جهان طبیعی، که توسط قوانین طبیعی کنترل می‌شود، قرار داده است تا ما را بیازماید (تا مشخص کند چه کسی به او ایمان آورده و اطاعتش می‌کند و چه کسی به او کفر ورزیده و عصیانش می‌کند). اگر خداوند از حدوث شر، همانند طوفان‌ها و طاعون‌ها، جلوگیری کند، جهان ما دیگر یک جهان طبیعی، که در یک نظام منسجمِ عِلّی و معلولی توسط قوانین طبیعی کنترل می‌شود، نخواهد بود. بنابراین، آن‌چه که این گزاره بدان اشاره می کند این است که *"خداوند می‌تواند جهانی بیافریند که در آن واحد طبیعی و غیر طبیعی است".* این یک محال عقلی است که نمی‌تواند وجود داشته باشد.**

بنابراین، این گزاره یک محال عقلی است. آیا خداوند نمی‌تواند آن‌چه را که عقلاً محال است انجام دهد؟ اگر فکر می‌کنید اراده خداوند به همه چیز، همچون آن‌چه که محال عقلی است، تعلق می‌گیرد، در آن صورت *' برهان شر'* را خود در نطفه خفه کرده‌اید زیرا تمام استدلال صورت گرفته برای برهان شر در مورد یک محال عقلی است، یعنی خداوند (قادر مطلق، خیر مطلق و عالم مطلق) نمی‌تواند با شر هم‌زیست شود. اگر نمی‌توانید به وجود این محال عقلی (مورد ادعا) اذعان داشته باشید، در آن صورت نمی‌توانید خداوند قادر مطلق را ذاتی تعریف کنید که اراده‌اش به همه چیز، همچون آن‌چه که محال عقلی است، تعلق می‌گیرد.

## برهان شر به مثابه‌ی برهانی ناقص

**مقوله شر به طور کلی:** گزاره‌ی *"خداوند خیرخواه مطلق از حدوث شر جلوگیری می‌کند (یا خواهد کرد)"* نیز ضرورتاً صحیح نیست! خداوند خیرخواه مطلق است، آری، با این حال او حکیم مطلق نیز هست. خداوند خیرخواه مطلق ممکن است به حدوث شر به دلیلی اجازه دهد (خصوصا وقتی این زندگی همچون یک آزمایش در اسلام به تصویر کشیده شده است (ر.ک: بقره:۱۵۵)). در حقیقت، در قرآن، خداوند از این سخن می‌گوید که او در مواردی به وقوع شر اجازه می‌دهد تا از وقوع شری بزرگتر جلوگیری کند یا وقوع خیر بزرگتری را با آن رقم بزند (کهف: ۶۰-۸۲)؛ یا مردمان را همچون هشداری عقاب کند (روم: ۴۱) و غیره. فراتر از این، جهان دیگری وجود دارد که خواهد آمد و بیش‌تر آن‌چه که امروز همچون یک راز باقی مانده است را آشکار خواهد نمود. به علاوه، بدون شر، خیر مفهوم خود را از دست می‌دهد. این دو مفهوم مکمل همدیگرند. در جهانی که هیچ شری رخ نمی‌دهد، عقل و تفکر بلا استفاده خواهند بود، انجام خوبی معنی نخواهد داشت و غیره.

بنابراین، اگر این دو گزاره ضرورتاً صحیح نباشند، نتیجه‌گیری صورت گرفته، یعنی *"خداوند (قادر مطلق، خیر مطلق و عالم مطلق) نمی‌تواند با شر هم‌زیست شود"* ، نیز ضرورتاً صحیح نیست.

## عذاب همیشگی در آتش جهنم

خداوند همه آن‌چه که وجود دارد را برای هدف مشخصی آفریده است و قطعاً خداوند بیهوده نمی‌آفریند، زیرا او حکیم مطلق است. بنابراین، انسان‌ها، که به آن‌ها قدرت اختیار عطا شده است، دو صنف‌اند؛ صنفی که سعی می‌کند هدفی که برای آن به وجود آمده است را تحقق بخشد و صنفی که از تحقق هدفی که برای آن خلق شده است سرباز می‌زند. بر طبق تمامی موازین، با این دو صنف نباید به شکل یکسانی رفتار شود. اعمال صنف نخست باید از آن قدردانی شود و اعمال صنف دوم باید مورد نکوهش واقع شوند. این چیزی است که عدالت حکم می‌کند. بنابراین، وجود جهنم و بهشت نمایانگر عدل مطلق خداوند هستند. پس، خداوندِ

خیرخواه مطلق می‌تواند عده‌ای را وارد آتش جهنم کند، زیرا خداوندِ خیرخواه مطلق مرتکب بی‌عدالتی نمی‌شود، چون‌که خداوندِ خیرخواه مطلق، عادلِ مطلق نیز است. خداوند باید در پرتو تمامی صفاتش توصیف شود، شخص نباید به یکی از صفات خداوند در غیاب دیگر صفات او رجوع کند.

عذاب در جهنم می‌تواند هم گذرا و هم همیشگی باشد، زیرا ماهیت گناهان مرتکب شده بر روی زمین همیشه یکسان نیستند. این حقیقت حتی در قوانین وضعی دست بشر هم نمود پیدا کرده است. شخصی ممکن است به خاطر یک عمل غیر قانونی، که در طول زندگی‌اش مرتکب آن شده است، جریمه شود. با این حال، شخص دیگری ممکن است به خاطر عمل غیر قانونی دیگری، که بیش‌تر از چند دقیقه طول نکشیده است، به حبس ابد محکوم شود. به همان شیوه، گناهانی وجود دارند که فاعل خود را به عذابی ابدی در جهنم سوق می‌دهند (زیرا این گناهان به ذات خود غیر قابل بخشش هستند) و گناهانی وجود دارند که فعال خود را به عذابی موقتی در جهنم (یا قبر) سوق می‌دهند اگر خداوند آن‌ها را از قبل نبخشد (زیرا این گناهان به ذات خود قابل بخشش هستند).

با توجه به قرآن (بقره: ٦، انعام: ٢٧-٢٨، غیره) کسانی که به عذاب همیشگی در جهنم محکوم می‌شوند هرگز تغییر نمی‌یافتند حتی اگر آن‌ها برای همیشه بر روی زمین زنده می‌ماندند. بنابراین، اگر چه فسق آن‌ها چند صباحی بیش‌تر نپایید، در اصل جاودانه (تغییرناپذیر) بود. اگر مرگ دخالت نمی‌کرد، آن فسق برای همیشه تداوم می‌یافت.

"***عذاب همیشگی در جهنم***" همانند "***خوشی همیشگی در بهشت***" یک انتخاب است. انتخابی که هر یک از ما در این دنیا قبل از مرگ می‌توانیم بدان دست زنیم. بنابراین کسانی که به چشیدن "***عذاب همیشگی در جهنم***" محکوم می‌شوند باید خود را به خاطر انتخاب اشتباه خود در این دنیا سرزنش کنند، زیرا آن‌ها، به همان شیوه، هم اکنون، درحالی که از قدرت اختیار برخوردارند، فرصت انتخاب "***خوشی همیشگی در بهشت***" را دارند. آسان است، از خداوند اطاعت کن و هدف زندگیت را محقق کن و در عوض خوشی همیشگی در بهشت خواهی

داشت یا، بالعکس، عصیان امر خداوند کنی و هدف زندگیت را به باد فراموشی بسپاری، در عوض عذابی همیشگی در جهنم خواهی داشت.

افزون بر این، اگر انسان‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از قدرت اختیار بهشت و جهنم را انتخاب کنند و اگر عده‌ای (با تکذیب پیام خداوند) جهنم را انتخاب کردند، در آن صورت، نفرستادن آن‌ها به جهنم برابر با انکار انتخاب آن‌ها (محروم کردن آن‌ها از قدرت اختیار) خواهد بود. پس، گفتن این‌که *"خداوند خیرخواه مطلق نمی‌تواند هیچ کس را به جهنم محکوم کند "* برابر با این خواهد بود که *'خداوند می‌تواند موجودی بیافریند که در آن واحد هم صاحب اختیار است و هم صاحب اختیار نیست'*. این یک محال عقلی است که نمی‌تواند وجود داشته باشد.

**نوشته و گردآوری شده توسط Fex**

**بازخوانی و نشر در: «رد شبهات ملحدین»**

**«موارد بالا که در اصل خطاب به جمعی انگلیسی زبان نوشته شده بود، بسیار خلاصه و جمع‌بندی و گرد هم آورده شده است و هدف از آن این بوده که مطلب به دلیل حجم کم توسط آنان مرور شود. با این حال از خواننده انتظار می‌رود که استنباطات و استدلالات صورت گرفته در آن را تشخیص دهد. در پایان نیز متن انگلیسی جهت تطبیق برای اهل تحقیق لحاظ گردیده است.» [نویسنده / مترجم]**

# THE PROBLEM OF EVIL & EVERLASTING TORMENT IN HELL

Since the topic in question is too famous, there is no need to make mention of the argument made for it and I certainly try to keep this discussion as short as possible.

In short, the problem of evil is not a problem at all because not all its premises/propositions are necessarily true. Hence, the conclusion isn't necessarily true either. For the sake of brevity, I'll only address those premises which we believe to be untrue and are in fact the main premises of the argument.

## The Problem of Evil as a Logical Impossibility:

The premise *"an Omni-Potent God can prevent all evil"* is not necessarily true. It's a language trick so you have to be careful. It's exactly like what trinitarian Christians try to tell the masses that *'God can become a man'*, for God is Omni-Potent. You've probably heard the question *'can God create a stone He cannot lift?'*. These are all similar phrases.

The one who asks *'can God create a stone He cannot lift?'* is actually asking *'can God be Omni-Potent & not Omni-Potent both at the same time?*'! This is an impossibility which cannot exist.

The Christians who say *'God can become a man'* are actually saying that *'God can be immortal & mortal both at the same time'!* This is an impossibility which cannot exist.

[#Moral Evil:] In the same way, the premise *"an Omni-Potent God can prevent all evil (on earth)"* is an impossibility which cannot exist. Why? Because God has endowed human beings with **free will**. Without evil free will cannot exist. If humans were compelled to do or choose only that which is good, they wouldn't be considered free creatures. Hence, what the premise is implying is that *"God can make a being who is free & not free both at the same time?"!*

[#Natural Evil:] Moreover, God has made us live in a natural world governed by natural laws to test us (as to who will believe in Him & obey Him and who will disbelieve in Him & disobey him). If God prevents all evil, like hurricanes or plagues, our world will no longer be a natural world governed by natural laws in an arranged cause & effect framework. Hence, what the premise is implying is that *"God can make a world which is natural & unnatural both at the same time?"!* This is an impossibility which cannot exist.

Therefore, the premise is logically impossible. Can't God do impossible? Well, if you think an Omni-Potent God does do everything including what is logically impossible, then, you'll be suffocating the *'Problem of Evil'* because the whole argument is about a logical impossibility, that is, (an Omni-Potent, Omni-Benevolent, & Omni-Scient) God cannot coincide with evil. If you cannot permit the existence of this alleged logical impossibility, then, you cannot define an Omni-Potent God as a Being who does everything including logical impossibilities.

## The Problem of Evil as an Imperfect Argument:

[#Evil in General:] The premise *"an Omni-Benevolent God would/would want to prevent all evil"* isn't also necessarily true. God is Omni-Benevolent, true, but He is also All-Wise. An Omni-Benevolent God may permit evil for a reason (especially when this life is illustrated as a test in Islam (2:155)). In fact, in Qur'aan, God talks about the fact that He may permit evil at times in order to (prevent greater evil or) ensure a greater good (18:60-82); or to chastise mankind as a warning (30:41); etc. On top of that, there is another life to come which will reveal most of what remains a secret in this world. Moreover, without evil, good loses its

weight. These two concepts complement one another. In a totally good world where no evil exist, intellect & thinking is of no use, doing good is of no meaning, etc.

**Therefore**, if these two main premises are not necessarily true, the conclusion that *'an All-Good God cannot coincide with evil'* is not true either.

## Everlasting Torment in Hell:

God has created all that exists for a clear purpose and truly God does not create anything in vain, for He is All-Wise. Humans who've been endowed with free will are, therefore, of two types; a type that strives to fulfill the purpose for which it has been created, and a type that deviates from fulfilling the purpose for which it has been created. By all standards, these two categories should not be treated the same. The works of the former should be appreciated and the works of the latter should be decried. This is what justice dictates. Hence, the existence of Hell & Paradise is a sign of God's Absolute Justice. Thus, an All-Good God can doom humans to Hell-Fire because an All-Good God does not commit injustice; for an All-Good God is All-Just too. God must be described in reference to all His Attributes. One should not take an Attribute of God in isolation from the rest of His Attributes.

The punishment in Hell can be both eternal & ephemeral because the nature of the sins committed on earth is not always the same. This reality is even manifested in man-made laws that we see today. A person may be fined for committing an illegal action that has lasted for an entire lifetime; yet, another person may be sentenced to life imprisonment for committing another illegal action that hasn't lasted more than a few minutes. In the same sense, there are sins that lead their doer to an eternal punishment in Hell (because such sins are, by nature, unforgivable) and there are sins that lead their doer to a temporary punishment in Hell (or grave) if God does not forgive them beforehand (because they are, by nature, forgivable).

According to Qur'aan (2:6, 6:27-28, etc.), those who will be admitted to an everlasting abode in Hell Fire would not ever change, not in the least, even if they were to live for all eternity. So, although their evil-doing lasted for a limited number of days, in nature it was perpetual (i.e. unchangeable). And, had death not intervened, it would've lasted for ever. *"An everlasting punishment in Hell Fire"* just like *"an everlasting happiness in Paradise"* is a choice. A choice that any one of us can make in this life before his/her death. So those who will be forced to taste *"an everlasting punishment in Hell Fire"* have to blame themselves for the wrong choice they are making in this life because they, in a similar way, have an opportunity now to choose *"an everlasting happiness in Paradise"* while they have been enabled to exercise free will. It's simple, obey God & fulfill the purpose of your existence and you'll have an eternal happiness in Paradise; or, contrarily, disobey God & evade fulfilling the purpose of your existence and you'll have an eternal torment in Hell Fire.

Moreover, if humans can exert free will to choose between Hell-Fire & Paradise, and if some humans choose Hell-Fire (by rejecting God's message), then, God's not sending anyone to Hell-Fire is tantamount to denying them their choice (= depriving them of their free will). Therefore, saying that *'an All-Good God cannot doom anyone to Hell'* is also like saying *'God can make a being who is free & not free simultaneously'*. Hence, this is an impossibility which cannot exist.

**Authored & compiled by Fex**